

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهر سنندج

جمال ادهمی* ، یعقوب احمدی** ، ابراهیم جعفری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۲

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی در شهر سنندج و عوامل اجتماعی موثر بر آن انجام گردید. شهر سنندج از جمله شهرهایی است که به واسطه ویژگی‌هایی چون مرکزیت استان کردستان، گسترش شهرنشینی شتابان، مهاجرت بی‌رویه، حاشیه‌نشینی، جوانی جمعیت، همزیستی عناصری از فرهنگ بومی - محلی و غیرمحلی - غیربومی، همزیستی فرهنگ سنتی و مدرن، مجاورت با شهرهای مرزی و مدرنیته رسانه‌ای دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است. بنابراین شناخت وضعیت ترجیحات ارزشی و رفتاری در بین سه نسل از شهروندان حائز اهمیت است. برای این منظور چارچوب نظری با الهام از دیدگاه دورکیم، مرتن، گیدنز، بوردیو، اینگلهارت و شوارتز

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. (نویسنده مسئول). adhamister@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور. yahmady2009@gmail.com

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان. ebrahim.jafare@yahoo.com

تنظیم گردید و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح شده است. پژوهش به روش چندگانه (روش پیمایشی و روش اسنادی) و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای روی ۳۶۷ نفر نمونه از شهروندان سنندجی به تفکیک گروه‌های نسلی انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان ترجیحات ارزشی افراد جوان و میانسال تفاوت معناداری با هم ندارد، اما میزان ترجیحات ارزشی افراد جوان و پیر و افراد میانسال و پیر با یکدیگر تفاوت معناداری دارد. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و دینداری با ترجیحات ارزشی در دو نسل جوان و میانسال و بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و ترجیحات ارزشی در نسل جوان و بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ترجیحات ارزشی در دو نسل جوان و پیر همبستگی معناداری وجود دارد، اما همبستگی بین سرمایه اقتصادی و ترجیحات ارزشی در بین تمام نسل‌ها معنادار نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ترجیحات ارزشی، سرمایه اجتماعی، سرمایه

فرهنگی، سرمایه اقتصادی، رسانه‌های جمعی، دینداری، سنندج

۱. مقدمه و بیان مسئله

ترجیحات ارزشی بین نسلی، کم و کیف ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای نسل جدید و رابطه نسل‌ها با یکدیگر از سؤال‌های اساسی جامعه محسوب می‌شود. در شرایط کنونی با لیبرالیزه شدن و آزاد شدن جامعه‌ها، یک نوع شکاف ارزشی بین نسل‌ها در جامعه‌های مختلف و در درون خانواده‌ها پدیدار گردیده است که از آن به شکاف نسل‌ها تعبیر می‌گردد. در جامعه‌های سنتی، هم در نهاد خانواده و هم در نهاد سیاسی یکدستی ویژه‌ای دیده می‌شود اما هنگامی که جامعه در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفت باید منتظر پدیده شکاف نسل‌ها شد. آنچه جوامع و اقشار مختلف را درون یک جامعه از هم متمایز می‌سازد، ارزش‌ها و نگرش‌ها یا به عبارت دیگر

فرهنگ آنان است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۴۵). این مسئله از زمانی مورد توجه قرار گرفت که با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های توسعه و همچنین با ظهور و بروز جریان جهانی شدن، جامعه ایرانی دچار تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی شگرفی شد. هم زمان با این تحولات، گروه‌های سنی جدید از جامعه، عرصه نوجوانی را ترک گفته و به خیل جوانان می‌پیوندند و در عرصه عمل اجتماعی ایفای نقش می‌کنند و آهسته آهسته، نسلی جدید که عنوان نسل سومی‌ها را برای خود برگزیده است، شکل می‌گیرد. قشر جوان به ویژه دانشجویان، بیشترین زمینه را برای تغییرات اجتماعی و فرهنگی مهیا می‌کنند و سریعتر چراغ سبز را در جهت پذیرش ارزش‌های جدید نسبت به سایر اقشار جامعه نشان می‌دهند. در مسیر فرایند تحول ارزش‌ها، خانواده کارکرد خود را از دست داده و نظام ارزش‌ها نیز وارد ابعاد گوناگون و متنوع تری نسبت به ارزش‌های سنتی و تک بعدی گذشته شده است. به همین دلیل انسان جدید متفاوت از انسان گذشته است. چالش‌های مابین ارزش‌های سنتی و مدرن و ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن به علاوه تحولات عمیق و گسترده سیاسی و اقتصادی و پیدایی طبقه متوسط شهری، افزایش بی سابقه مصرف کالاهای جدید، ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای به زندگی شهروندان موجب تغییرات ارزشی شدید در جامعه ما شده‌اند (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲: ۱۲).

مطالعه مسئله ارزش و تحول ارزش‌ها در شهر سنندج نیز به عنوان جامعه در حال گذار از سنت به مدرن حائز اهمیت می‌باشد زیرا شهر سنندج یکی از شهرهایی است که به دلیل مرکزیت استان کردستان، پدیده مهاجرت، رشد شتابان و بی‌رویه شهرنشینی، حاشیه نشینی، مبادلات و تعاملات با آن سوی مرز از طریق شهرهایی چون بانه و میوان، به عنوان شهرهای مرزی، رشد شهرنشینی، جوانی جمعیت، همزیستی عناصر فرهنگ بومی و غیربومی و فرهنگ سنتی و مدرن، تغییرات فرهنگی، آموزش‌های مدرن، گسترش استفاده از رسانه‌های جمعی و مدرنیته رسانه‌ای دستخوش تحولات گسترده‌ای در ساختار فیزیکی - کالبدی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شده است،

بنابراین، انجام یک پژوهش تجربی روشمند با نگاه ویژه به مسئله ترجیحات ارزشی در بین نسل‌های سه گانه در شهر سنندج ضرورت یافت. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است به این سئوالات پاسخ دهد: سلسه مراتب در نظام ارزشی نسل‌های مختلف چگونه است؟ بین میزان سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسل‌های سه گانه و ترجیحات ارزشی نسلی آنها چه رابطه‌ای وجود دارد؟ بین میزان دینداری افراد و ترجیحات ارزشی نسلی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ بین عوامل دموگرافیکی و ترجیحات ارزشی نسلی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۲. مرور مطالعات پیشین:

مرور مطالعات پیشین پژوهش حاضر به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود که در پژوهش‌های خارجی به مرور یافته‌های اینگلهارت و شوارتز، مور و فلانگان به عنوان مهم ترین مطالعات حوزه تحولات فرهنگی و ارزشی نسل‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ و مطالعات رولس نیتو و سیگورا و سون و وانگ در سال ۲۰۱۰ و مطالعات مارکوز و همکاران، در سال ۲۰۱۷، بهادور و دوان در سال ۲۰۰۸ پرداخته می‌شود و در پژوهش‌های داخلی نیز مطالعات زیادی انجام گردیده است که در پژوهش حاضر به تعدادی از آنها از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۴ اشاره می‌شود.

۲-۱. مطالعات خارجی:

مارکوز و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای پیرامون تغییرات ارزشی در ترکیه نشان دادند در حالی که ارزش‌های تعالی خود^۱ و حفاظت از منابع طبیعی و جمع‌گرایی در طول زمان کاهش یافته است اما خود افزایشی^۲ افراد افزایش یافته است.

1. self-transcendence
2. self-enhancement

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۲۱

رولس- نیتو و سیگورا (۲۰۱۰) در تحقیقی درمورد تفاوت‌های نسلی در ارزش‌های مادی گرایی و فرامادی گرایی در اسپانیا، نتایج نشان داد که ارزش‌های شخصی با ارزش‌های نسلی در دو گروه میانسال و پیر مشابه و در نسل جوانان متفاوت بود همچنین جوانان ارزش‌های فرامادی گرایی متفاوتی داشتند.

سون و وانگ (۲۰۱۰) نیز در مطالعه‌ای درباره اثرات تغییر اجتماعی بر ارزش‌های افراد نسل‌های مختلف در شانگهای چین نشان دادند که نسل‌های جوانتر در چین از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن در فرایند دگرگونی اجتماعی اخیر تغییر رویکرد داده‌اند. علاوه بر این نسل‌های جوان تر به ارزش‌های سکولار، فردگرایی و به پیشرفت شخصی به عنوان مهم ترین هدف در زندگی بیشتر از مشارکت در جامعه تمایل نشان می‌دهند. آنها بیشتر متناسب با سبک‌های زندگی خود بدون توجه به تصور دیگران در این باره زندگی می‌کنند. بنابراین احتمالاً کمتر از ایدئولوژی جمعی سنتی تبعیت می‌کنند بطور کلی این مطالعه شکاف نسلی قابل توجهی در گرایش‌های ارزشی در چین را نشان داد.

بهادر و دوان (۲۰۰۸) در پژوهشی در شهرالله‌آباد هندوستان دریافتند که ساختار خانواده هیچ گونه تأثیری روی ارزش‌های اجتماعی والدین و فرزندان در خانواده ندارد. همچنین هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین ارزش‌های والدین و فرزندان در خانواده‌های پیوسته و مشترک^۱ وجود ندارد و بین ارزش‌های اجتماعی والدین و فرزندان در خانواده‌های هسته‌ای تفاوت معناداری مشاهده شد.

رونالد اینگلهارت طی دو دهه و نیم پیمایش‌های ملی- مقطعی در کشورهای اروپایی، امریکایی، آسیایی و آفریقای جنوبی به این نتایج دست یافت: ۱- خیزش فرامادی گرایی به تنهایی که جنبه‌ای از فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی می‌باشد که به گرایش‌های مذهبی، نقش‌های جنسیتی، هنجارهای جنسی و هنجارهای فرهنگی جوامع صنعتی شکل نوینی داده است (اینگلهارت ۱۳۸۹: ۴۸). ۲- اولویت‌های ارزشی مردم

غرب از تأکید بر ارزش‌های مادی به تأکید بر ارزش‌های فرامادی (نظیر معنا و هدف زندگی و...) تحول می‌یابد. ۳- در میان گروه‌های بزرگتر، شمار مادیون به فرامادیون کاهش می‌یابد. در میان گروه‌های سنی بزرگتر شمار مادیون به نسبت ۱۲ به ۱ بیشتر است. در میان گروه‌های سنی جوانتر این نسبت به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کند. فرامادیون تقریباً با مادیون برابر هستند (همان، ۶۵). ۴- تفاوت‌های اساسی بین ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف وجود دارد و همانطور که پیش بینی می‌شد گروه‌های سنی جوانتر قویاً کمتر از گروه‌های سنی بزرگتر مادی هستند. نتایج تحلیل حاکی از این است که جایگزینی جمعیت اثر بارزی بر دگرگونی ارزش‌ها دارد و تحولات ارزشی بیشتر بازتاب دگرگونی نسل‌هاست تا انعکاس آثار سالخوردگی. (همان، ۶۶). همچنین فلائنگان در حیطه علوم سیاسی، ارزش‌ها را به دو دسته ارزش‌های اقتدارگرا و اختیارگرا تقسیم نموده و عواملی همچون خاستگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، موقعیت اقتصادی- اجتماعی فعلی، جنسیت، درآمد، رسانه‌های جمعی، ارتباطات و سکونت شهری را در اولویت‌های ارزشی افراد و گرایش آنان به احزاب راست و چپ، موثر می‌داند (flangan & Lee, 2000: 22). ملانی مور (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی در مورد سه نسل از آمریکاییان ژاپنی تبار نظریه ساختار ارزشی شوارتز را تأیید نموده است. رتبه بندی ارزش‌ها در نسل‌های بررسی شده (به استثنای نسل دوم) با این نظریه انطباق داشته و نوع‌های ارزشی فرد گرایانه و تحول گرایانه در نسل‌های سوم و چهارم (در مقایسه با نسل دوم) اهمیت بیشتری داشته است. نسل دوم در مقایسه با سایر نسل‌ها، برای ارزش‌های سنت و امنیت اهمیت بیشتری قائل شده است. از دیگر نتایج تحقیق وی، وجود تشابه ارزشی در میان نسل‌های مختلف آمریکایی‌های ژاپنی تبار بوده است. در مجموع، ثبات رده‌ها یا جایگاه تمام ارزش‌ها در میان نسل‌های یادشده، نشان دهنده ثبات نظام ارزشی آن‌ها و تأثیر تجارب فرهنگی مشترک این نسل‌هاست و بزرگترین تغییری که در نظام ارزش‌های این جامعه صورت گرفته است از نسل اول به نسل دوم یعنی فرزندان متولد آمریکای آنان بوده است (مور، ۱۹۹۹ نقل از داریا پور، ۱۳۸۲: ۹۳-).

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۲۳

۹۱). شوارتز و گیسون (۱۹۹۸) هم در مطالعات خود نشان دادند که جنسیت بر هیچ یک از ۱۰ نوع ارزشی مؤثر نبوده و کنش متقابلی نیز با سن، تحصیلات و قومیت نداشته است (شوارتز، ۱۹۹۸ نقل از داریاپور، ۱۳۸۲: ۹۱).

۲-۲. مطالعات داخلی

ظهیری نیا (۱۳۹۴) در مطالعه خود دریافت که افراد ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند؛ همچنین افراد جوانتر و دارای تحصیلات بالاتر بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی گرایش دارند. یافته‌های حاصل از بررسی رابطه بین متغیرها نشان داد که بین متغیرهای تحصیلات افراد، تحصیلات والدین، احساس امید به زندگی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نوع جهت‌گیری ارزشی افراد، رابطه معناداری وجود دارد.

طولابی و کمر بیگی (۱۳۹۲) در مطالعات خود دریافتند که اولویت‌های ارزش‌های پدران و پسران در ایلام به ترتیب ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، نظری، سیاسی و زیبایی شناختی می‌باشد. به عبارت دیگر ارزش‌های فرامادی و مادی به ترتیب اولویت‌های ارزشی پدران و پسران را تشکیل می‌دهد، بطوری که در زمینه ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین پدران و پسران شان تفاوت عمیق و در ارزش‌های مذهبی و علمی تفاوت سطحی وجود داشته و در ارزش‌های زیبایی شناختی تفاوتی وجود ندارد. در نتیجه می‌توان گفت در اغلب ارزش‌های فرزندان و والدین شان تفاوت وجود دارد.

زارع شاه آبادی و ترکان (۱۳۹۴) نیز در مطالعه‌ای پیرامون نظام ارزشی جوانان دریافتند که دانشجویان اولویت‌های ارزشی مادی گرایانه دارند. احمد زاده کرمانی و قاسمی (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود نشان دادند که استفاده از اینترنت دارای اثر مثبت و فزاینده با گرایش بر ارزش‌های عقلانی و اثر کاهنده بر ارزش‌های سنتی دارد.

فرزانه و چراتی (۱۳۹۰) در مطالعه خود نشان دادند که منش اقتصادی جوانان کمتر از منش اقتصادی والدین بر تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان اثر معکوسی داشته است. منش سیاسی جوانان و والدین به طور متوسط تفاوت ارزشی را تبیین کرده است، اما این تبیین نزد جوانان معکوس بوده است. بیشترین تفاوت در حوزه منش اجتماعی دیده شده است در حالی که منش اجتماعی تا حدی تبیین کننده تفاوت ارزشی نزد جوانان بوده است، این منش به قدر متوسط و معکوس این تفاوت را نزد والدین نشان می‌دهد. همچنین منش فرهنگی در هر دو مورد ضمن اینکه به طور متوسط تبیین کننده تفاوت بوده است اما در نزد هر دو این تفاوت معکوس بوده است. در مجموع می‌توان تفاوت ارزشی را نزد هر دو گروه جوان و والدین ملاحظه کرد.

مدنی و خسروی (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری ارزشی تلفیقی در بین دانشجویان غالب است و بین متغیرهای جنسیت، دینداری، میزان رضایت از زندگی، میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌های جمعی و محل سکونت دانشجویان با جهت‌گیری ارزشی رابطه معنادار و همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد.

جعفرزاده‌پور (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای روی تغییرات ارزشی بین نسلی در سریال‌های ایرانی دریافت که زنان به جز ارزش‌های اقتصادی، تفاوت چندانی در منظومه ارزشی خویش به تفکیک دوره زندگی نشان نمی‌دهند اما مردان دارای تفاوت‌هایی در منظومه ارزشی خویش به تفکیک دوره زندگی خویش هستند بطوری که جوانان اخلاقی‌تر و بی‌دین‌تر بوده و در عین حال کمتر از شخصیت‌های سالمند به ثروت بها می‌دهند.

مطالعه طالبان و همکاران (۱۳۸۹) حاکی از آن است که جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم روند افزایشی در میزان اهمیت ارزش‌های مادی، روندکاهشی در میزان اهمیت ارزش‌های معنوی و روند افزایشی در میزان اهمیت ارزش‌های مادی و معنوی برای گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از نسل جوان امروزی نشان می‌دهد.

یعقوب احمدی و حامد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تفاوت دو نسل جوانان و میان سال به بالاتر در مقوله‌های نوگرایی، مادیرگرای/فرامادی گرایی،

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۲۵

نگرش به زنان و خانواده معنادار بوده است و نسل جوان در هر چهار مقوله بالاترین رتبه را کسب کرده و این به معنای فاصله نسلی است.

عابدینی (۱۳۸۵) نیز طی مطالعه خود نشان داد که بین سطوح مختلف تحصیلات و ترجیح ارزشی تفاوت وجود دارد و تفاوت واقعی در بین افراد دو گروه دارای تحصیلات متوسطه و بیسواد بیشتر معنادار است.

ربانی خوراسگانی و صفایی نژاد (۱۳۸۴) نیز بر این باورند که نسل جوان نسبت به بزرگترها گرایش بیشتری به ارزش‌های فرامادی نشان داده‌اند و بالعکس. همچنین بین میزان دینداری و ارزش‌های مادی رابطه مثبتی وجود دارد.

داریاپور و همکاران (۱۳۸۲) نیز در پژوهش خود دریافتند که در مجموع ۵۱/۶ درصد پاسخگویان دارای نظام ارزشی سنتی بوده‌اند. ۲۱/۲ درصد در میانه طیف ارزش‌های سنتی- مدرن قرار داشته و در مجموع ۲۰ درصد پاسخگویان دارای نظام ارزشی مدرن بوده‌اند. همچنین زنان و افراد بزرگسال، متأهلین و افراد مذهبی نسبت به سایرین دارای نظام ارزشی سنتی تری هستند. و متغیرهایی چون مدت سکونت در تهران، تعداد فرزندان و دسترسی به رسانه‌ها در آرا بودن ارزش‌های مدرن تأثیر داشته‌اند (داریاپور و همکاران، ۱۳۸۲).

آزاد ارمکی (۱۳۸۲) نیز نشان داد که در نگرش خانواده‌های تهرانی نسبت به مسائلی چون ازدواج، روابط پسر و دختر، طلاق و... تغییراتی رخ داده است. در عین حال در میان مردم تهران هنوز خانواده به عنوان امر جدی اجتماعی تلقی می‌شود.

آزاد ارمکی (۱۳۸۰) در پژوهش دیگری به این نتیجه رسید که ۷۰٪ پاسخگویان، زندگی فرزندان متأهل با والدین را به دلیل اختلاف سلیقه و تفاوت در نحوه گذارندن اوقات فراغت زمینه ساز ایجاد مشکلات می‌دانند که این خود نشانه‌ای از تفاوت نسلی است. همچنین نتایج نشان داد نسل سوم (بزرگسالان) بیش از والدین خود برای همدلی و صحبت پیرامون مشکلات شخصی به مادر خود مراجعه می‌کنند. ۷۴٪ پاسخگویان ابراز داشته‌اند که امروزه جوانان، به دلیل عوض شدن دوره و زمانه و تغییرات فرهنگی و صمیمانه تر شدن روابط فرزندان و والدین قواعد رفتاری گذشته را رعایت نمی‌کنند.

حدود ۸۰٪ از افراد جوان خود را از لحاظ اجتماعی و اخلاقی موظف به رعایت حال و وضع پیران خانواده می‌دانند. محقق معتقد است با این اوصاف جامعه ایران با تفاوت نسلی روبرو شده است نه تضاد و شکاف نسلی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۶۹).

حسین احمدی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای پیرامون سلسله مراتب ارزشی در بین دانش آموزان زنجان به این نتیجه رسید که بین متغیرهای جنسیت، سن، درآمد خانواده، شغل پدر، محله مسکونی، نوع آموزش و پایه تحصیلی با سلسله مراتب ارزشی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

یوسفی (۸۲-۱۳۸۰) هم معتقد است در ارزش‌های نسل والدین و فرزندان شکافی پدیدآمده است و بیشترین شکاف ارزشی بین پدران و پسران مربوط به ارزش‌های اجتماعی سپس مربوط به ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. محسنی (۱۳۷۹) در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نیز نشان داد که سلامت و آبرو در یک جایگاه به عنوان برترین ارزش معرفی شده و مقطع تحصیلی بالاتر در دگرگونی عقاید و ارزش‌ها نقش تعیین کننده‌ای داشته است.

همچنین توکلی (۱۳۷۸) در پژوهشی پیرامون نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران به این نتیجه رسید که در سطح ارزش‌های مادی و فرامادی دو نسل همگرایی وجود دارد.

در ارزیابی نهایی مطالعات پیشین می‌توان گفت که اغلب مطالعات انجام گرفته به ویژه مطالعات داخل کشور فاقد دستگاه نظری منسجمی بوده و بیشتر یا به توصیف صرف وضعیت سلسله مراتب ارزشی براساس نظریه شوارتز و اینگلهارت بسنده نموده‌اند و یا نهایتاً به بررسی تأثیر عوامل زمینه‌ای - جمعیت شناختی روی ترجیحات و تفاوت‌های ارزشی نسل‌های مختلف پرداخته‌اند. در حالی که پژوهش حاضر با استفاده از دیدگاه‌های شوارتز، اینگلهارت و بوردیو هم به توصیف وضعیت سلسله مراتب ارزشی در بین نسل‌های مختلف و هم به تبیین عوامل موثر بر آن پرداخته است.

۳. ادبیات نظری

موضوع روابط میان نسل‌ها، پدیده‌ای قرن بیستمی است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که پدیده جوانی و تعاملات میان‌نسلی به عنوان یک مسئله اجتماعی به طور جدی توجه تحلیلگران و صاحب نظران مسائل اجتماعی را به خود جلب کرد. کارل مانهایم را می‌توان به عنوان نخستین نظریه پرداز ذی دانست که برخلاف رویکرد رایج به نسل، به معنای تبارشناسی و نسل به معنای همدوره‌ای، مفهوم نسل را به معنایی جامعه شناختی براساس ریتم زیست شناختی تولد و مرگ بکار برد. مانهایم از «برخورد تازه» در اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با وجود این که او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود با نسل معین می‌کند، اما افرادی که در درون نسل‌ها حاضرند و بر اساس تجربیات مشترک دارای دیدگاه مشترکی هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (Mannheim, 1952: 290). مانهایم، مفاهیم «نسل»، «تقابل سنی»، «تحرک نسلی» و «ایدئولوژی‌های نسلی» را در جهت تکمیل و نقد نظریه طبقاتی و عناصر قشربندی اجتماعی مارکس (مانند طبقه، تضاد طبقاتی، تحرک طبقاتی، ایدئولوژی طبقاتی، و...) در «جامعه‌شناسی مدرن» و به عنوان بخشی از برنامه وسیع‌تر او برای جامعه‌شناسی معرفت و برای مطالعه رشد تفکر محافظه‌کاری در جوامع مدرن به کار برده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۴). وی یکی از راه‌های تعیین تفاوت‌های مهم بین طبقه و نسل را توجه به مفهوم زمان و دوره می‌داند. بنابراین باید بین همزیستی (افرادی که در زمان مثل هم زندگی می‌کنند) و هم زمانی (افراد هم سن) تفاوت قائل شد. از نظر وی نسل، درگیر سازمان هویت زمانی و حافظه جمعی است. مهم‌ترین مقوله نسل از دیدگاه کارل مانهایم «واحد نسلی» است که به معنای گروه سنی - زیستی و فراتر از آن در نظر گرفته شده است و دارای ویژگی‌هایی چون محل و موقعیت ساختاری مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی، سرنوشت و علقه

مشترک براساس طبقه بندی اقتصادی اجتماعی و هویت واحد و خودآگاهی براساس تجربه مشترک است (همان، ۳۰-۲۹).

پیر بوردیو نیز موضوعات نسلی را در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی تحلیل می‌نماید. وی برخلاف رویکرد ذهنی مانهایم به نسل‌ها، با رویکردی عینی به تبیین روابط نسلی براساس جایگاه استراتژیک و عصری هر نسل در رابطه با مجموعه‌ای از منابع و نبرد نسل‌ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد. منابعی که در واقع محصول شرایط تاریخی هر نسل است و دستیابی و بهره برداری از آن مستلزم نوعی هویت و همبستگی نسلی است که از سوی یک نسل علیه نسل‌های رقیب سازمان می‌یابد (Terner, 1998: 302 نقل از آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۲). مفهوم کانونی که بوردیو در راستای تعاملات میان نسل‌ها مطرح می‌نماید، اصطلاح ملکه است. ملکه به افراد هم‌دوره‌ای دارای تجربه تاریخی - فرهنگی مشترک و حافظه جمعی اشاره دارد. برای بوردیو تعاملات میان نسلی مانند آنچه که در مدل سایبرنتیکی پارسونز وجود دارد، عمدتاً حول محور فرهنگ جمعی و مشترک قرار دارند. برای بوردیو نیز تعاملات میان نسلی مبتنی بر ابژه‌های فرهنگی، تعاملاتی شکاف گونه است. به اعتقاد بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیرنهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است (-Bourdieu, 1986: 248). بنابراین از نظر بوردیو، نسل، یک ساخته اجتماعی و حاصل تضاد بر سرمنابع و سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در داخل یک میدان معین می‌باشد.

رونالد اینگلهارت مهمترین نظریه پرداز معاصر از لحاظ موضوع تعاملات میان نسلی است. نظریه تعاملات میان نسلی مبتنی بر تفکیک ارزش‌های اینگلهارت (۱۳۸۹) بر دو فرضیه مهم استوار است: فرضیه کمیابی که در آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی وی است. به گونه‌ای که فرد بیشترین ارزشی ذهنی را به آن اموری می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است. یعنی دوره‌های رونق به افزایش فرامادی

گرایی و دوره‌های کمیابی به ارزش‌های مادی‌گرایی می‌انجامد و فرضیه اجتماعی شدن که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است. برای اینگلهارت تعاملات میان نسلی جوامع مبتنی بر ارزش‌های متفاوت در راستای سطوح توسعه اقتصادی- اجتماعی است و میزان آن تغییر می‌پذیرد. وی دگرگونی اجتماعی بر مبنای تحولات اجتماعی و اقتصادی را در قالب دگرگونی فرهنگی تعریف می‌کند که سمت‌گیری ارزشی و در نتیجه تفاوت‌های نسلی را به همراه دارد. به عبارتی هر چه جامعه در دوره‌ای سطح رشد اقتصادی بالاتری را تجربه نماید، وضعیت تعاملات میان نسلی در راستای گسست و شکاف پیش می‌رود و تداوم وضعیت اقتصادی و ثبات اقتصادی منجر به تداوم گفت‌وگو میان نسلی و همپوشانی ارزشی نسل‌ها می‌گردد. از این رو اینگلهارت با انجام تحقیقات تجربی به این نتیجه می‌رسد که توسعه اقتصادی جوامع منجر به جایگزینی نسلی می‌گردد که برخلاف نسل گذشته تأکید بیشتری بر حفاظت از محیط زیست و کیفیت زندگی و انواع آزادی‌ها دارند (Inglehart and Norris, 2003). اینگلهارت و آبرامسون در تئوری تغییر ارزش بین نسل‌ها به افزایش سطح تحصیلات که خود از مولفه‌های مدرنیزاسیون و توسعه و تحول اقتصادی و اجتماعی است تأکید می‌کنند (اینگلهارت، ۱۹۹۹). همچنین اینگلهارت یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکاف ارزشی نسل‌ها را جهانی شدن ارتباطات به واسطه وسایل ارتباط جمعی می‌داند (خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

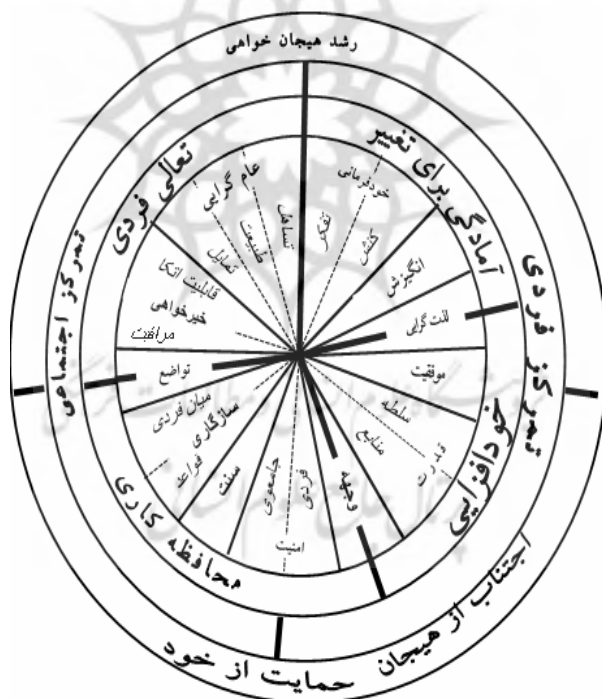
همچنین، شالوم شوارتز مطابق با نظر وبر (۱۹۵۸)، هافستد (۱۹۸۴)، اینگلهارت (۱۹۹۷) و ویلیامز (۱۹۵۸) ارزش‌های رایج در جامعه را مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی فرهنگ تلقی می‌کند. او (۲۰۰۶) فرهنگ را مجموعه‌ای غنی از معانی، باورها، اعمال، نمادها، هنجارها و ارزش‌های رایج در میان مردم جامعه قلمداد می‌کند. براساس نظر شوارتز (۱۹۹۲)، ارزش‌های انسانی اعتقادات ذهنی و نگرش‌هایی درباره اهدافی مطلوب هستند که زندگی مردم را هدایت می‌کنند.

جدول ۱- ارزش‌های انگیزه‌ای سطح فردی شوارتز: (تدوین مؤلفان)

شاخص	انواع ارزش‌ها (اهداف انگیزه‌ای)	زیرمجموعه‌ها
آمادگی برای تغییر	خودفرمانی (تفکر و کنش مستقل)	تفکر
		کنش
	انگیزش (هیجان و تازگی)	انگیزش
	لذت‌گرایی (رضایت، لذت‌های جسمانی)	لذت‌گرایی
خودافزایی	موفقیت (موفقیت شخصی مطابق هنجارهای اجتماعی)	موفقیت
		قدرت (ارتقای جایگاه اجتماعی و اعتبار، کنترل یا سلطه بر مردم یا منابع)
		منابع سلطه
	وجهه (کسب حیثیت و احترام)	وجهه
محافظه‌کاری	امنیت (ایمنی، هماهنگی و ثبات اجتماع، روابط و اشخاص)	فردی
		اجتماعی
	سازگاری (مهار اعمال، امیال و انگیزه‌هایی که شاید باعث آشفته‌کردن یا صدمه‌زدن به دیگران و نقض هنجارهای اجتماعی شوند)	قواعد
		میان‌فردی
	سنت (احترام و تعهد به آداب و رسوم و عقاید فرهنگی یا مذهبی)	سنت
	تواضع (فروتنی و قناعت)	تواضع
تعالی فردی (جهان‌شمولی)	خیرخواهی (حفظ و ارتقای رفاه مردم)	قابلیت اتکا
		مراقبت
		تمایل
		طبیعت
		تساهل

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۳۱

مفهوم مزبور بر نظریه اولیه شوارتز و بیلسکی (۱۹۸۷) و ارائه تعریفی از انواع نیازهای سه‌گانه بشری مبتنی است: نیازهای زیستی؛ نیازهایی برای هماهنگی تعامل‌های اجتماعی و معیارهای جمعی سازمانی برای بقا و حفظ گروه. شوارتز با تأکید بر کاستی‌های نظریه ارزش‌های فرهنگی هافستد، نظریه جایگزینی از ساختار ارزش‌های فرهنگی ارائه می‌دهد. نظریه شوارتز که به نظریه ارزش‌های اساسی انسانی (۲۰۰۶) معروف شده است، بر اهمیت درجه‌بندی ارزش‌ها در سطوح فرهنگی و فردی تأکید دارد. ساختار ارزش‌ها در سطح فرهنگی و فردی مبین پویایی در تضاد و سازگاری بین ارزش‌هاست. ساختار ارزش‌های سطح فرهنگی مبین اهداف انگیزه‌ای نهادهای اجتماعی است. ساختار ارزش‌ها در سطح فردی نشان‌دهنده آن دسته از اهداف



شکل ۱- مدل نظری روابط میان نوزده نوع انگیزشی از ارزش‌ها

(شوارتز و همکاران، ۲۰۰۶)

انگیزه‌ای است که اصول راهنمای زندگی فردی اشخاص را ارائه می‌دهند (شوارتز، ۱۹۹۲). براین اساس، به نظر شوارتز ساختار جهانی ارزش‌های افراد با توجه به نوع ارزش انگیزه‌ای در سطح فردی در دوره نخست شامل ده ارزش (۱۹۹۲) و در سال‌های اخیر (۲۰۰۶) شامل نوزده ارزش می‌شود. طبق نظر شوارتز، آرایش ارزش‌ها در ساختار جهانی مبین پیوستار دایره‌ای انگیزه‌هاست (Schwartz, 1992: 45).

بنابراین، تفاوت‌های انگیزه‌ای بین انواع ارزش‌ها بیشتر پیوسته‌اند تا گسسته. در حالی که آن دسته از ارزش‌های انگیزه‌ای که در ساختار دایره‌ای شکل ارزش‌ها مجاور یکدیگر هستند قابل مقایسه فرض شده‌اند، بین ارزش‌هایی که در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند تضادهای روان‌شناختی و اجتماعی وجود دارد. علاوه بر شناسایی ارزش‌های اساسی به لحاظ انگیزشی متمایز، نظریه ارزش‌ها جنبه ساختاری ارزش‌ها به‌ویژه روابط پویای میان آنها را تبیین می‌کند.

اعمالی که در پی ارزش‌ها می‌آیند، دارای پیامدهای روان‌شناختی، عملی و اجتماعی است که ممکن است با کنش‌های ناشی از دیگر ارزش‌ها متضاد یا شاید منطبق باشند. علاوه بر آن، شوارتز اهداف انگیزه‌ای مختلف را در چهار حوزه کلی‌تر دسته‌بندی می‌کند: ارزش خودافزایی؛ آمادگی برای تغییر؛ تعالی فردی (جهان‌شمولی) و محافظه‌کاری. نظریه شوارتز (۱۹۹۲) درباره ارزش‌های اساسی انسانی مطالعات بسیاری را در خلال دو دهه گذشته شکل داده است. اکثر این مطالعات نحوه ارتباط ارزش‌های اساسی ده‌گانه یا ارزش چهار وجهی با نگرش‌های مختلف، عقاید، رفتارها، شخصیت و ویژگی‌های زمینه‌ای را بررسی می‌کنند (برای مرور فراتحلیل ر. ک بوئر و فیشر، ۲۰۱۱). این مطالعات انتقال و توسعه ارزش در بچه‌ها و بزرگسالان و تغییر ارزش در طول زمان را نیز ارزیابی کرده‌اند (مثلاً باردی و دیگران، ۲۰۰۹). اخیراً، مطالعات درباره قابلیت تمییز ارزش‌های ده‌گانه و نظم آنها پیرامون چرخه انگیزشی که نظریه مطرح می‌کند افزایش یافته‌اند (مثلاً بیلسکی، جانیک و شوارتز، ۲۰۱۱).

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۳۳

همچنین باید گفت که دین و ارزش‌ها از هم تفکیک ناپذیرند بطوری که امیل دورکیم معتقد است دین به هر صورتی که باشد چیزی نیست جز بیان ارزش‌های اخلاقی یک اجتماع و باورداشت‌های دسته جمعی آن. او معتقد بود که هر جامعه‌ای میان امور مقدس و نامقدس تمایز قائل می‌شود. مقدس به پهنه‌ای از پدیده‌های خارق العاده و برخوردار از نیروهای حیرت‌انگیز اطلاق می‌شود و نامقدس، عرصه جهان عادی، طبیعی و روزانه است. باورداشت‌های مذهبی بیانگر آن چیزی‌اند که جامعه مقدس می‌انگارد، ارزش‌های مذهبی ممکن است به صورت یک طبیعت، ستاره، مجسمه، تخته سنگ، حیوان، درخت یا هر چیزی که جامعه به عنوان یک چیز مقدس بر می‌گزیند، به گونه‌ای نمادین بازنمود گردند. این نماد مقدس به صورت کانون مراسم دسته جمعی، از عشاء ربانی گرفته تا رقص‌ها و جشن‌ها در می‌آید و در جهت وحدت بخشیدن مؤمنان در قالب یک اجتماع واحد اخلاقی عمل می‌کند (بی‌تس، ۱۳۷۵: ۶۷۱). از نظر دورکیم دین کارکردهایی نظیر اعتبار بخشی، انسجام بخشی، تحکیم ارزش‌های مشترک، کاهش کشمکش و تقویت نظارت اجتماعی دارد (بی‌تس، ۱۳۷۵: ۷۰۲-۶۹۴).

۳-۱. جمع‌بندی و چارچوب نظری:

ارزش‌ها از مهمترین وجوه زندگی روزمره به شمار می‌آیند و به تعبیر دورکیم دین در جامعه چیزی نیست مگر بیان ارزش‌های اخلاقی یک اجتماع و باورداشت‌های جمعی آن که به انسجام اجتماعی و تحکیم ارزش‌های اجتماعی کمک می‌کند. پیر بوردیو تفاوت‌های نسلی در حوزه ارزش‌ها و ترجیحات ارزشی نسل‌ها را بر اساس میزان سرمایه‌ها و منابع در دسترس هرنسل در میدان‌های مختلف تبیین می‌کند. رونالد اینگلهارت نیز با تأکید بر اهمیت نسل به عنوان جایگزینی برای طبقه و حزب، بر فرایند تغییرات در جوامع در راستای تغییرات نسلی تمرکز می‌کند. در این زمینه او سه دسته ارزش سنتی، مادیرایانه و ابراز وجود را متناسب با سطح توسعه اقتصادی اجتماعی جوامع در میان نسل‌های مختلف مشخص می‌کند. در این راستا نسل جوان در

دوره اخیر بیشترین ترجیحات خود را بر ارزش‌های دسته سوم مانند حفظ محیط زیست، آزادی و... قرار می‌دهد و نسل کهنسال بر وجوه دینداری، سرمایه اجتماعی درون گروهی، حفظ نظم و... تأکید می‌کند و علاوه بر سطح توسعه، جهانی شدن رسانه‌ای را نیز بر این شکاف ارزشی تأثیرگذار می‌داند. علاوه بر این اینگلهارت، افراد را به سه گروه مادی‌گرایان که تمام انتخاب‌هایشان از نوع مادی و فرامادی‌گرایان که تمام انتخاب‌هایشان فرامادی و التقاطیون که ترکیبی از انتخاب‌های مادی و فرامادی را دارند تقسیم می‌کند. شالوم شوارتز در حوزة ترجیحات ارزشی، چهار حوزه ارزش فرهنگی معرفی می‌کند و معتقد است که گروه‌ها و نسل‌های مختلف در زمینه چهار مولفه خودافزایی، آمادگی برای تغییر؛ تعالی فردی (جهان‌شمولی) و محافظه‌کاری، از هم تفاوت می‌پذیرند. به باور شوارتز، نسل جوان عمدتاً بر ارزش‌های آمادگی برای تغییر و جهان‌شمولی تأکید می‌کند، در حالی که نسل‌های کهنسال عمدتاً بر محافظه‌کاری. به باور شوارتز عوامل جانبی بسیاری علاوه بر نسل، بر تنوع ترجیحات ارزشی موثر هستند که از جمله آنها متغیرهای زمینه‌ای و استفاده از رسانه‌ها است.

جدول ۲- نظریه پردازان و دیدگاه‌های نظری

نام نظریه پرداز	اهم دیدگاه نظری
امیل دورکیم	دین عامل انسجام بخش اجتماع و تحکیم بخش ارزش‌های اجتماعی
کارل مانهایم	مفهوم نسل به مثابه عامل ایجاد تجربیات و دیدگاه‌های مشترک، همچنین موجب تمایز اقشار جامعه و قشربندی اجتماعی.
پیر بوردیو	موضوعات نسلی در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی قابل تحلیل است. تعاملات میان نسلی عمدتاً حول محور فرهنگ جمعی و مشترک قرار دارند که به نوعی تعاملاتی

شکاف گونه است. شکاف نسل‌ها، افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیر نهادی نتیجه مبارزه برسر قدرت و منابع و سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.	
تفاوت‌های نسلی در قالب تحولات فرهنگی ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی، تغییر نظام‌های ارزشی از سستی به عقلانی، آزمادی به فرامادی (ابراز وجود، آزادی و.. در نتیجه جهانی شدن و ارتباطات رسانه‌ای.	رونالد اینگلهارت
تغییرات فرهنگی ارزشی مبتنی بر نظام مدور و ده گانه ارزش‌ها.	شالوم شوارتز

۴. فرضیات تحقیق

- ترجیحات ارزشی در میان نسل‌های مختلف شهر سنندج متفاوت است.
- بین میزان سرمایه اجتماعی و ترجیحات ارزشی نسل‌های سه گانه شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه فرهنگی و ترجیحات ارزشی نسل‌های سه گانه شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه اقتصادی و ترجیحات ارزشی نسل‌های سه گانه شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و ترجیحات ارزشی نسل‌های سه گانه شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ترجیحات ارزشی نسل‌های سه گانه شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان ویژگی‌های جمعیت شناختی و ترجیحات ارزشی نسل‌های سه گانه شهر سنندج رابطه وجود دارد.

۵. روش شناسی

داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام شهروندان سنندجی بالای ۱۵ سال تشکیل می‌دهند که مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۲۴۷۶۴۳ نفر می‌باشند که این تعداد در سه نسل جوان، میانسال و مسن طبقه بندی شدند؛ که به تفکیک حجم جمعیت نسل جوان ۱۵-۲۹ ساله ۱۱۷۱۱۹ نفر، نسل ۳۰-۵۴ ساله ۹۹۹۵۲ نفر و نسل بالای ۵۵ سال ۳۰۵۷۲ نفر می‌باشد و حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر به دست آمد اما جهت جلوگیری از ریزش این تعداد و پوشش کامل حجم بدست آمده، ۴۰۰ پرسشنامه توزیع گردید و بر اساس روش نمونه گیری خوشه‌ای سه خوشه از شهر که معرف وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهر سنندج است از سه سطح مختلف شهر سنندج (۱. مناطق بالا: بلوار شبلی، شالمان، خیابان صفری، شهرک سعدی، مبارک آباد و... ۲. مناطق متوسط: خیابان وکیل، شهرک زاگرس، بهاران و... ۳. مناطق پایین: عباس آباد، فرجه، تققان و...) انتخاب شده‌اند، و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در میان مناطق سه گانه قرعه کشی به عمل آمد که در منطقه سطح بالا شالمان و مبارک‌آباد، شهرک سعدی، در منطقه متوسط بهاران و خیابان وکیل شهرک زاگرس و در منطقه پایین عباس‌آباد فرجه و تققان انتخاب شدند. در مرحله بعد از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب (به جهت عدم تناسب حجم نمونه با حجم جمعیت گروه‌های سنی سه گانه ساکن در هر منطقه) بلوک‌هایی انتخاب شدند و در نهایت با توجه به سهمیه هر بلوک و با توجه به شرایط سنی، پاسخگویان انتخاب گردیده و پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت و در نهایت ۳۶۷ پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل بود.

۵-۱. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۵-۱-۱. متغیر وابسته: ارزش و ترجیحات ارزشی:

از نظر جانسون ارزش‌ها، نمادهای تعریف شده‌ای هستند که وقتی مورد پذیرش همه واقع می‌شوند، همبستگی آگاهانه‌ای را ایجاد می‌کنند که وجه مشخصه انسان‌های پیوسته به هم در یک جمع بهنجار است (حاجیلری، ۱۳۸۰: ۳۹).

ارزش‌های اجتماعی: آن چیزی که اکثریت یک گروه یا جامعه می‌گویند خوب یا بد است. به عبارت دیگر، وقتی یک ارزش به هنجار تبدیل شد و اکثریت جامعه آن پدیده را با ارزش تلقی نمودند، آن پدیده به ارزش اجتماعی یا ارزش هنجار شده تبدیل می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۹). برای سنجش ترجیحات ارزشی از شاخص‌هایی چون خیرخواهی (کمک به دیگران، وفاداری به دوستان)، عام‌گرایی (برخورد یکسان با دیگران و دادن فرصت برابر به آنها، محافظت از طبیعت)، استقلال (اندیشیدن به ایده‌های جدید و خلاقیت، تصمیم‌گیری آزادانه در امور شخصی)، هیجان‌خواهی (دوست داشتن شگفتی‌ها، هیجان‌ات، ریسک‌پذیری و ماجراجویی)، لذت‌جویی (سرگرمی و خوشگذرانی)، موفقیت‌طلبی (جلب توجه و تحسین دیگران درباره توانایی‌ها و دستاوردها)، قدرت (کسب ثروت، جلب و دریافت احترام دیگران)، امنیت (امنیت محیط اجتماعی)، همنوایی (پیروی از قواعد، ضابطه‌گرایی، رفتار شایسته) و سنت (پیروی از آداب و رسوم و سنت‌های دینی و خانوادگی، تواضع و فروتنی) استفاده شده است. برای سنجش پایایی درونی ارزش‌های مذکور با یکدیگر که در قالب ۹ گویه آورده شده‌اند از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است.» (آلفای کرونباخ ۰/۷۸۶).

۵-۱-۲. متغیرهای مستقل

سرمایه‌ها (capitals): به اعتقاد بوردیو سرمایه می‌تواند دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

سرمایه اقتصادی که مستقیماً به پول تبدیل می‌شود و به صورت حق مالکیت نهادی می‌شود. سرمایه اقتصادی با مرتبه شغلی پاسخگویان و میزان درآمد آنها مورد سنجش قرار گرفته است.

سرمایه اجتماعی که شامل تمامی روابط اجتماعی ارزشمند، تکالیف، الزامات و پیوندهای اجتماعی است که تحت شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است. سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است (Bourdieu, 1997: 51). برای سنجش سرمایه اجتماعی از شاخص‌های مشارکت اجتماعی، تمایلات همکاری جویانه، اعتماد عمومی، اعتماد به همسایگان، دوستان، اقوام و اعضای خانواده، روابط و مبادله و احساس ارزشمند بودن در جامعه استفاده شده است (آلغای کروناخ ۰/۷۸۳).

سرمایه فرهنگی که در شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و می‌تواند به صورت مدارک و مدارج تحصیلی نهادی گردد.

سرمایه فرهنگی خود به سه بُعد تقسیم می‌شود:

بعد تجسم یافته یا ذهنی: شامل تمایلات روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است. این بعد با شاخص‌هایی چون برخورداری از انواع مهارت‌ها (مهارت در موسیقی، کامپیوتر و اینترنت، زبان انگلیسی) مورد سنجش قرار گرفته است.

بعد عینی که شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی است. این سرمایه در اشیای مادی، رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و بطور کلی در مادیت آن قابل انتقال است. این بعد با شاخص‌هایی چون داشتن کالاهای فرهنگی، استفاده از کالاهای فرهنگی (تابلوی نقاشی، مجسمه هنری، کامپیوتر و اینترنت، دوربین فیلم برداری/عکاسی، کتابخانه شخصی، خواندن کتاب، مجله، روزنامه، تماشای فیلم، گوش دادن به موسیقی، رفتن به پارک، سینما، ورزش، نمایشگاه، مسافرت و...) مورد سنجش قرار گرفته است.

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۳۹

بعد نهادی که شامل مدارج و مدارک تحصیلی و علمی - فرهنگی است. سرمایه فرهنگی با شاخص‌هایی نظیر کسب مدارک آموزشی فرد و والدینش مورد سنجش قرار گرفته است (آلفای کرونیباخ ۰/۸۲۲).

دینداری: برای دینداری در این تحقیق از الگوی اصلاح شده گلاک و استارک که شامل پنج بعد (اعتقادی، مناسکی، تجربه، دانش و پیامدها) می‌باشد استفاده شده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۲). برای سنجش بعد اعتقادی از شاخص‌های اعتقاد به خداوند و ناظر دیدن خداوند بر اعمال و رفتار، اعتقاد به نبوت، اعتقاد به قرآن، اعتقاد به معاد، باور به وجود شیطان و فرشتگان، برای سنجش بعد مناسکی از شاخص‌های انجام فریضه نماز، روزه، زیارت اماکن متبرکه، شرکت در مراسم سوگواری، عزاداری، برای سنجش بعد پیامدی از شاخص‌های اهمیت حلال و حرام در زندگی و امر به معروف و نهی از منکر و برای سنجش احساسی از شاخص‌های ترس از خداوند، ترس از مرگ و احساس پوچی در زندگی بدون اعتقادات استفاده شده است (۰/۹۲۴).

رسانه (media) منظور رسانه‌های صوتی و تصویری (تلویزیون، ماهواره و اینترنت) است، که با سؤال مستقیم در مورد میزان استفاده پاسخگویان از ماهواره و اینترنت در طول شبانه روز مورد سنجش قرار می‌گیرد.

متغیرهای جمعیت شناختی در پژوهش حاضر شامل جنس، سن، تحصیلات، شغل، درآمد و وضع تأهل می‌باشد.

۶. یافته‌های مطالعه

یافته‌های جمعیت شناختی تحقیق حاضر نشان داد که از نظر جنسیت ۳۱ درصد زن، ۶۹ درصد مرد، از نظر نسل ۶۵ درصد جوان، ۴۳ درصد میانسال، ۱۱ درصد سالخورده، از نظر تأهل ۳۹ درصد مجرد، ۵۴ درصد متأهل، حدود ۲ درصد مطلقه، حدود ۳ درصد بیوه بر اثر فوت همسر، از نظر تحصیلات ۴۳ درصد در سطح دیپلم و زیر دیپلم، ۵۵ درصد دانشگاهی، ۱ درصد حوزوی، از نظر شغلی حدود دوسوم (۶۵ درصد) شاغل،

۳۵ درصد بیکار، از نظر درآمد ماهیانه ۴۰ درصد دارای درآمد کمتر ۴۰۰ هزار تومان، ۴۴ درصد دارای درآمد ۴۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان و ۱۳ درصد دارای درآمد بالای ۱ میلیون می‌باشند.

۶-۱. یافته‌های توصیفی

متغیر وابسته پژوهش حاضر ترجیحات ارزشی نسل‌های مختلف و متغیرهای مستقل میزان سرمایه اجتماعی، میزان سرمایه فرهنگی، میزان سرمایه اقتصادی، میزان دینداری و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهر سنج است.

جدول ۴- توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب ترجیحات ارزشی و به تفکیک رده سنی (نسل)

درصد موافقت با ارزش‌های ده گانه					نسل‌ها	طبقات متغیرها
جمع کل	داده مفقوده	زیاد (موافق)	بینابین	کم (مخالف)		
۱۰۰	۱/۲	۹۲/۵	۵/۴	۰/۹	نسل جوان	خیرخواهی
۱۰۰	۱/۵	۹۱/۶	۴/۷	۲/۲	نسل میانسال	
۱۰۰	۰	۹۷/۵	۲/۵	۰	نسل پیر	
۱۰۰	۱/۲	۸۱	۹	۸/۸	نسل جوان	عام‌گرایی
۱۰۰	۰/۱	۸۵/۲	۵/۹	۸/۸	نسل میانسال	
۱۰۰	۰/۸	۷۵/۴	۹/۵	۱۴/۳	نسل پیر	
۱۰۰	۱/۸	۸۷/۷	۵/۱	۵/۴	نسل جوان	استقلال
۱۰۰	۱/۳	۸۸/۸۵	۵/۷	۴/۱۵	نسل میانسال	
۱۰۰	۰/۳	۷۱/۱	۷/۱۵	۲۱/۴۵	نسل پیر	

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۴۱

۱۰۰	۰/۶	۷۸/۱	۱۳/۵	۷/۸	نسل جوان	هیجان خواهی
۱۰۰	۰/۶	۶۹/۳	۱۸/۰۵	۱۲/۰۵	نسل میانسال	
۱۰۰	۰/۱۵	۲۳/۶	۲۵	۵۱/۲۵	نسل پیر	
۱۰۰	۲/۷	۷۹/۶	۱۱/۱	۶/۶	نسل جوان	لذت جویی
۱۰۰	۲/۸	۷۲/۱۵	۱۱/۱	۱۳/۹	نسل میانسال	
۱۰۰	۱/۱۵	۷۲/۶۵	۱۱/۹	۱۴/۳	نسل پیر	
۱۰۰	۱/۲	۷۹/۶	۱۲/۶	۶/۶	نسل جوان	موفقیت
۱۰۰	۰/۳۵	۸۰	۱۴/۲۵	۵/۴	نسل میانسال	
۱۰۰	۵/۹	۸۲/۱۵	۱۱/۹	۰	نسل پیر	
۱۰۰	۱/۲	۷۱/۵	۱۶/۸	۱۰/۵	نسل جوان	قدرت
۱۰۰	۱/۵۵	۶۱/۷	۱۹/۶۵	۱۷/۱	نسل میانسال	
۱۰۰	۰/۱	۷۷/۴	۹/۵	۱۳	نسل پیر	
۱۰۰	۰/۹	۹۲/۵	۴/۸	۱/۸	نسل جوان	امنیت
۱۰۰	۰/۱۵	۹۵/۸	۲/۸	۱/۲۵	نسل میانسال	
۱۰۰	۰	۹۷/۶	۱/۲	۱/۲	نسل پیر	
۱۰۰	۱/۲	۷۷/۸	۱۵	۶	نسل جوان	همنوایی
۱۰۰	۰/۹	۸۸	۷/۳	۳/۸	نسل میانسال	
۱۰۰	۱/۲۵	۹۴	۴/۷۵	۰	نسل پیر	
۱۰۰	۲/۷	۶۵/۸	۱۸/۶	۱۲/۹	نسل جوان	سنت
۱۰۰	۲/۴۵	۸۲	۱۱/۱	۴/۴۵	نسل میانسال	
۱۰۰	۰	۹۶/۴	۳/۶	۰	نسل پیر	

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که توزیع ترجیحات و گرایش‌های ارزشی در بین نسل‌های سه‌گانه بسیار مشابه است. با این تفاوت که در مقایسه بین نسل‌های سه‌گانه ترجیحات ارزشی نسل پیر بیشتر از نوع خیرخواهی، هم‌نوایی، سنت، سپس امنیت، موفقیت، قدرت و ترجیحات ارزشی نسل میانسال بیشتر از نوع عام‌گرایی و استقلال و در مقایسه با نسل جوان از نوع هم‌نوایی، سنت و امنیت می‌باشد اما نسل جوان ترجیحات ارزشی خود را بیشتر لذت‌جویی، هیجان‌خواهی، استقلال و درمقایسه با نسل میانسال خیرخواهی و قدرت ابراز نموده‌اند.

در مجموع، اگرچه اکثریت قریب به اتفاق (۸۰ درصد) افراد هر سه نسل در جهت موافق با ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی توزیع شده‌اند و تفاوت قابل‌توجهی در میانگین کل گویه‌ها دیده نمی‌شود، اما در گویه‌های مرتبط با هر ارزش تفاوت‌هایی در بین نسل‌ها دیده می‌شود. برای بررسی تطبیقی ترجیحات ارزشی در بین سه نسل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین ترجیحات ارزشی افراد جوان و میانسال تفاوت معناداری با هم ندارد، اما میانگین افراد جوان و پیر در سطح یک درصد و میانگین افراد میانسال و پیر در سطح ۵ درصد متفاوت و معنادار است.

جدول ۵- توزیع درصدی متغیرهای مستقل

درصد موافقت با گویه‌ها					نسل‌ها	طبقات متغیرها
جمع کل	داده مفقوده	زیاد (موافق)	بینابین	کم (مخالف)		
۱۰۰	۱/۹	۳۶/۳	۲۶/۴	۳۵/۴	نسل جوان	سرمایه اجتماعی
۱۰۰	۱/۴	۳۶	۲۹/۹	۳۲/۷	نسل میانسال	
۱۰۰	۱/۱	۲۷/۲	۳۷/۷	۳۴	نسل پیر	
۱۰۰	۳	۳۴/۲	۲۷/۶	۳۵/۲	نسل جوان	سرمایه فرهنگی
۱۰۰	۳/۸	۲۶/۷	۲۸	۴۱/۵	نسل میانسال	
۱۰۰	۵/۸	۱۲/۸	۱۳/۳	۶۸/۱	نسل پیر	

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۴۳

۱۰۰	۰	۴/۸	۱۳/۸	۸۱/۴	نسل جوان	سرمایه اقتصادی
۱۰۰	۰	۶/۳	۴۶/۲	۴۷/۵	نسل میانسال	
۱۰۰	۰	۱۱/۹	۶۹	۱۹	نسل پیر	
۱۰۰	۲/۸	۵۷/۹	۲۱/۱	۱۸/۲	نسل جوان	دینداری
۱۰۰	۴/۲	۶۳/۱	۱۷	۱۵/۷	نسل میانسال	
۱۰۰	۱/۸	۷۵/۲	۱۲/۳	۱۰/۸	نسل پیر	

برای سنجش سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه از ۱۶ گویه و معرف (مشارکت اجتماعی، اعتماد عمومی، اعتماد به همسایگان، دوستان، اقوام و اعضای خانواده، روابط و مبادله، احساس ارزشمند بودن در جامعه) در قالب طیف لیکرت استفاده شد. در ارتباط با گویه احساس ارزشمند بودن در جامعه، افراد پیر بیشترین میزان موافقت خود را نشان داده‌اند و افراد جوان و به‌ویژه میانسال در حد وسط قرار گرفته‌اند. در ارتباط با گویه‌های اعتماد عمومی، نسل پیر بیشتر از جوانان و میانسالان اظهارداشته‌اند عموم مردم قابل اعتمادند. اما افراد میانسال بیش از جوانان و افراد پیر معتقدند که به همسایگان، دوستان، اقوام و اعضای خانواده می‌توان اعتماد کرد. در گویه‌های مرتبط با روابط و مبادله نیز میانسالان و جوانان بیش از افراد پیرگرایش به روابط و مبادله داشته‌اند و نهایتاً در زمینه گویه‌های مرتبط با مشارکت اجتماعی، جوانان بیش از افراد میانسال و پیر تمایل به مشارکت اجتماعی داشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که میزان موافقت با گویه‌های سرمایه اجتماعی نسل جوان و میانسال (۳۶ درصد) بیشتر از میزان (۲۷ درصد) سرمایه اجتماعی نسل پیر می‌باشد.

نتایج جدول ۵ در مورد میزان سرمایه فرهنگی گویای این است که در تمام ابعاد، جوانان در درجه اول و میانسالان در درجه بعد از سرمایه فرهنگی بالاتری نسبت به نسل پیر برخوردارند. به عنوان مثال، در حالی که تنها سه درصد از نسل پیر مهارت خود در استفاده از محصولات فرهنگی را زیاد و خیلی زیاد توصیف کرده‌اند، اما

جوانان و افراد میانسال به ترتیب حدود ۲۸ و ۲۰ درصد در حد زیاد از محصولات فرهنگی استفاده می‌کنند. یا در حالی که ۵.۹ درصد از نسل پیر به صورت زیاد یا خیلی زیاد در فعالیت‌های متنوع فرهنگی شرکت داشته‌اند، اما جوانان و افراد میانسال به ترتیب حدود ۳۶.۵ و حدود ۲۴ درصد در حد زیاد در فعالیت‌های فرهنگی مشارکت می‌کنند و همچنین تنها ۳۳.۵ درصد از نسل پیر برخوردار از کالاهای فرهنگی را در حد زیاد یا خیلی زیاد توصیف کرده‌اند، اما جوانان و افراد میانسال به ترتیب حدود ۴۵.۵ و حدود ۴۴ درصد اظهار داشته‌اند از کالاهای فرهنگی در حد زیاد برخوردارند. به طور خلاصه، با توجه به شاخص کلی سرمایه فرهنگی، بیش از ۳۴ درصد از افراد جوان از سرمایه فرهنگی زیادی برخوردار بوده‌اند، در حالی که میزان سرمایه فرهنگی برای افراد میانسال و پیر به ترتیب حدود ۲۷ و حدود ۱۳ درصد بوده است.

در تحقیق حاضر برای سنجش سرمایه اقتصادی افراد مورد مطالعه در مقیاس فاصله‌ای از ترکیب چند سؤال مربوط به اشتغال، درآمد و وضعیت مالکیت منزل مسکونی استفاده شد. با توجه به نتایج جدول، از کل افراد مورد مطالعه حدود ۱۳.۵ درصد فاقد هر گونه سرمایه اقتصادی بوده‌اند که اکثریت‌شان جوانان هستند. حدود ۴۶ درصد از کل پاسخگویان سطح سرمایه اقتصادی ضعیف یا خیلی ضعیفی داشته‌اند که اکثریت آن‌ها در درجه اول جوانان و سپس افراد میانسال بوده‌اند و حدود ۴۰.۵ درصد از کل پاسخگویان دارای سطح سرمایه اقتصادی متوسط و قوی بوده‌اند که مطابق با انتظار غالب آن‌ها در درجه اول افراد پیر و سپس افراد میانسال می‌باشند.

برای سنجش سطح دینداری در جامعه مورد مطالعه از ۲۴ گویه و سؤال در رابطه با ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی و احساسی در قالب طیف لیکرت استفاده شد. توزیع میانگین گویه‌ها در میان سه نسل در جدول ۵ به صورت درصدی ارائه و خلاصه شده است. بطورکلی در جامعه مورد مطالعه میانگین میزان دینداری افراد نسل پیر (۷۵ درصد) بیش از میانگین دینداری افراد میانسال (۶۳ درصد) و نسل جوان (۵۸ درصد) می‌باشد.

۶-۲- یافته‌های استنباطی

با توجه به این که هم متغیرهای مستقل (میزان سرمایه اجتماعی، میزان سرمایه فرهنگی، میزان سرمایه اقتصادی، میزان دینداری، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی) و هم متغیر وابسته (ترجیحات ارزشی) در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شدند، جهت آزمون رابطه این متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۶- رابطه بین متغیرهای مستقل و ترجیحات ارزشی در سه نسل جوان، میانسال و بزرگسال

گروه‌های نسلی	متغیر وابسته	آزمون همبستگی پیرسون	
	(مقیاس ترجیحات ارزشی)		
نسل جوان (۱۶۷ نفر)	۰,۵۹۹**	میزان سرمایه اجتماعی	متغیرهای مستقل
نسل میانسال (۱۵۸ نفر)	۰,۱۷۲ *		
نسل بزرگسال (۴۲ نفر)	۰,۰۳۰ ns		
نسل جوان (۱۶۷ نفر)	۰,۵۳۷**	میزان سرمایه فرهنگی	
نسل میانسال (۱۵۸ نفر)	۰,۱۳۱ ns		
نسل بزرگسال (۴۲ نفر)	۰,۲۹۵ ns		
نسل جوان (۱۶۷ نفر)	۰,۰۰۶ ns	میزان سرمایه اقتصادی	
نسل میانسال (۱۵۸ نفر)	- ۰,۰۳۱ ns		
نسل بزرگسال (۴۲ نفر)	- ۰,۰۳۷ ns		
نسل جوان (۱۶۷ نفر)	۰,۴۷۸**	میزان دینداری	
نسل میانسال (۱۵۸ نفر)	۰,۲۲۸**		
نسل بزرگسال (۴۲ نفر)	۰,۲۶۲ ns		
نسل جوان (۱۶۷ نفر)	۰,۴۳۵**	میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	
نسل میانسال (۱۵۸ نفر)	۰,۱۴۸ ns		
نسل بزرگسال (۴۲ نفر)	۰,۳۲۳ *		

ns غیرمعنادار * معنادار در سطح ۵ درصد ** معنادار در سطح ۱ درصد

1. not significant

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان سرمایه اجتماعی نسل‌های سه گانه و ترجیحات ارزشی حاکی از آن است که رابطه بین دو متغیر در نسل پیر معنادار نبوده است، اما در دو نسل جوان و میانسال رابطه در جهت مستقیم معنادار بوده است. با این تفاوت که شدت رابطه در نسل جوان متوسط به سمت قوی، و در نسل میانسال نسبتاً ضعیف می‌باشد.

همچنین نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان سرمایه فرهنگی نسل‌های سه گانه و ترجیحات ارزشی حاکی از آن است که رابطه بین دو متغیر یادشده در دو نسل پیر و میانسال معنادار نبوده است، اما در نسل جوان رابطه در جهت مستقیم معنادار بوده است.

همچنین نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان سرمایه اقتصادی نسل‌های سه گانه و ترجیحات ارزشی حاکی از آن است که رابطه بین دو متغیر در بین تمام نسل‌ها معنادار نبوده و فرض صفر موقتاً تأیید می‌گردد.

همچنین نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان دینداری نسل‌های سه گانه و ترجیحات ارزشی حاکی از آن است که در دو نسل جوان و میانسال رابطه بین میزان پایبندی به اعتقادات دینی و ارزش‌های اجتماعی یا ترجیحات ارزشی در جهت مستقیم معنادار بوده است، با این تفاوت که شدت رابطه در نسل جوان متوسط به سمت قوی، و در نسل میانسال متوسط به سمت پایین می‌باشد. در نسل پیر با وجود این که شدت رابطه به سمت متوسط میل دارد، اما از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین می‌توان گفت که همگام با افزایش میزان پایبندی جوانان و افراد میانسال به اعتقادات دینی و مذهبی، گرایش آن‌ها به ارزش‌هایی چون عام‌گرایی، همنوایی، قدرت‌طلبی، هیجان‌خواهی، ثروت‌طلبی ریسک‌پذیری و سنت‌گرایی افزایش می‌یابد. این یافته مبین رابطه میزان دینداری افراد با الگوهای ارزشی شوارتز می‌باشد.

نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جهانی نسل‌های سه گانه و ترجیحات ارزشی حاکی از آن است که در دو نسل جوان و پیر

رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ارزش‌های اجتماعی یا ترجیحات ارزشی در جهت مستقیم معنادار بوده است، با این تفاوت که شدت رابطه در نسل جوان متوسط به سمت قوی و در نسل پیر متوسط می‌باشد و در نسل میانسال هم رابطه بین دو متغیر معنادار نیست.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

ارزش به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، از زمان تشکیل اجتماعات اولیه تاکنون در زندگی انسان نقش مهمی را داشته است. ارزش‌ها را می‌توان در زمره مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست. یکی از عمده‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر، وجود شکاف ارزشی- نسلی است. پدیده‌ای که خود در جریان تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی شکل گرفته است. در جامعه کنونی ایران، تلاش عمده فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در راستای گذار از مرحله سنتی به مدرن است. در این فرایند اولین اتفاق در حوزه جمعیتی افتاده و بخش عمده جمعیت جامعه، جمعیت جوان است. شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو یا چند نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. در مطالعه حاضر از نظریه‌های دورکیم، مانهایم، بوردیو، اینگلهارت و شوارتز پیرامون مسئله نسل و ترجیحات ارزشی در میان نسل‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آن استفاده شد.

نتایج توصیفی تحقیق حاضر حاکی از آن است که در سلسله مراتب نظام ارزشی نسل‌های سه‌گانه این جامعه تفاوت وجود دارد. به‌طوری‌که ترجیحات ارزشی دو نسل جوان و میانسال همسو و همگرا بوده و متفاوت از ارزش‌های نسل پیر می‌باشد. بدین معنا که نسل پیر بیشتر از افراد میانسال و جوان پایبند به ارزش‌های خیرخواهی (کمک به دیگران و نوع‌دوستی، وفاداری به دوستان)، همنوایی (عمل به گفته‌ها، پیروی از قواعد و ضوابط و رفتار شایسته)، سنت (فروتنی و تواضع، پیروی از آداب و رسوم و

سنت‌های خانوادگی و دینی)، امنیت (امنیت محیط پیرامون)، موفقیت طلبی (جلب توجه و تحسین دیگران برای توانایی‌ها و دستاوردها) و قدرت (کسب ثروت و پذیرش و مورد احترام واقع شدن از طرف جمع) می‌باشند. این یافته با نتایج مطالعات داریاپور (۱۳۸۶ و ۱۳۸۲)، ربانی و صفایی‌نژاد (۱۳۸۲)، احمدی (۱۳۸۸) و طولابی و کمربیگی (۱۳۹۲) در برخی جهات همسویی دارد. از طرف دیگر، ترجیحات ارزشی افراد میانسال در مقایسه با دونسل پیر و جوان بیشتر از نوع عام‌گرایی و جهانشمول (برخورد یکسان با همگان و دادن فرصت برابر به همه، توجه به آراء مخالف و متفاوت، محافظت از طبیعت)، استقلال (اندیشیدن به ایده‌های بدیع و خلاقیت، تصمیم‌گیری آزادانه درباره امور شخصی) و درمقایسه با نسل جوان به صورت هم‌نوایی، سنت و امنیت می‌باشد. اما ترجیحات نسل جوان درمقایسه با دو نسل پیر و میانسال بیشتر از نوع ارزش‌هایی چون هیجان‌خواهی (ماجراجویی و ریسک‌پذیری و دوست داشتن شگفتی‌ها و چیزهای متفاوت)، لذت‌جویی (سرگرمی، خوشگذرانی)، استقلال و درمقایسه با نسل میانسال به صورت خیرخواهی، قدرت و ثروت‌طلبی می‌باشد. این یافته با نتایج بسیاری از مطالعات صورت گرفته در کشور مانند: مطالعه احمدی (۱۳۸۸)، آزاد ارمکی (۱۳۸۳)، احمدی (۱۳۸۰)، داریاپور (۱۳۸۲)، زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۴)، طولابی و کمربیگی (۱۳۹۲) همسویی دارد. به طور خلاصه، یافته‌های تحقیق حاضر در این زمینه دیدگاه تحول‌ارزشی اینگلهارت در نسل‌های مختلف شهر سنندج را تأیید می‌کند اما برخلاف یافته‌های یادشده این تحول به گونه‌ای است که نسل‌های جوان و میانسال ترکیبی از ارزش‌های مادی و فرامادی و نسل پیر ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار داده‌اند.

نتایج آزمون رابطه بین متغیرها نشان داد که رابطه بین دو متغیر میزان سرمایه اجتماعی و ترجیحات نسلی در نسل پیر دارای رابطه معنادار نبوده، اما در دو نسل جوان و میانسال رابطه در جهت مستقیم معنادار بوده است؛ با این تفاوت که شدت رابطه در نسل جوان متوسط به سمت قوی و در نسل میانسال نسبتاً ضعیف بود. بدین

معنا که همگام با افزایش میزان سرمایه اجتماعی جوانان و افراد میانسال ترجیحات ارزشی آنها نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. زیرا به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی افراد متعلق به یک نسل موجب شناخت و آگاهی بیشتر آنها از تجارب، فرهنگ، هویت مشترک و بطور کلی ارزش‌های یکدیگر در ارتباط با نسل خود می‌شود و نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان سرمایه فرهنگی نسل‌های سه‌گانه و ترجیحات ارزشی نیز حاکی از آن است که رابطه بین دو متغیر یادشده در دو نسل پیر و میانسال معنادار نبوده است، اما در نسل جوان رابطه در جهت مستقیم، معنادار بوده است. این بدین معناست که نسل جوان نسل برخوردار از امکانات و سرمایه فرهنگی بیشتری‌اند بنابراین ترجیحات ارزشی آنان تابع میزان برخورداری آنها از سرمایه فرهنگی است. بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی مانند برخورداری از انواع مهارت‌ها، میزان مصرف کالاهای فرهنگی و کسب مدارج و مدارک تحصیلی و علمی - فرهنگی موجب شناخت و آگاهی افراد یک نسل از آرمان‌ها، آرزوها و ارزش‌های خود می‌شود و این به نوبه خود موجبات تفاوت ارزشی بین نسل‌های مختلف می‌گردد. این یافته با نتایج مطالعات عابدینی (۱۳۸۵)، احمدی (۱۳۸۰)، یوسفی (۱۳۸۰)، محسنی (۱۳۷۹)، فرزانه و چراتی (۱۳۹۰) و ظهیری نیا (۱۳۹۴) مبنی بر تأثیر تحصیلات افراد روی ترجیحات ارزشی آنها همو است. اما نتایج آزمون رابطه بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و ترجیحات ارزشی در بین تمام نسل‌ها معنی‌دار نبوده و لذا فرض صفر موقتاً تأیید می‌گردد. این یافته با مطالعات فلانگن (۲۰۰۰)، داریاپور (۱۳۸۲) و احمدی (۱۳۸۰) مبنی بر تأثیر درآمد و وضعیت اقتصادی روی ترجیحات ارزشی افراد ناسازگار است.

بطورکلی می‌توان گفت نتایج مطالعه حاکی از تأثیر معنادار سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی به‌ویژه در ترجیحات ارزشی جوانان و میانسالان می‌باشد. این یافته نیز با دیدگاه بوردیو و اینگلهارت و بسیاری از مطالعات انجام گرفته در خارج و داخل کشور همسویی دارد. انتظار می‌رود با افزایش میزان سرمایه فرهنگی جوانان، تحولات ارزشی در بین آنان سریع‌تر و عمیق‌تر از نسل‌های دیگر صورت گیرد. نکته جالب

توجه در مطالعه حاضر، فقدان تأثیر معنادار سرمایه اقتصادی در شکل‌گیری ترجیحات ارزشی بین نسلی است که با تطبیق آن با دیگر مطالعات، توجه و بررسی بیشتری را می‌طلبد.

از نظر رابطه بین میزان دینداری و ترجیحات ارزشی در بین نسل‌های سه گانه، نتایج حاکی از آن است که در دو نسل جوان و میانسال رابطه بین میزان پایبندی به اعتقادات دینی و ارزش‌های اجتماعی یا ترجیحات ارزشی در جهت مستقیم معنادار است، اما در نسل بزرگسال این رابطه از نظر آماری معنادار نبود. به طور خلاصه، همگام با افزایش (کاهش) میزان پایبندی جوانان و افراد میانسال به اعتقادات دینی و مذهبی، گرایش‌های ارزشی آن‌ها نیز تغییر می‌کند، زیرا دین به عنوان نظام ارزشی یکپارچه نقش تعیین‌کننده‌ای روی ترجیحات ارزشی مادی و معنوی افراد دارد. این یافته با نتایج مطالعات ربانی و صفایی‌نژاد (۱۳۸۴)، داریاپور (۱۳۸۰)، و مدنی و خسروی (۱۳۹۰) همسوست. همچنین این یافته مؤید دیدگاه دورکیم در مورد نقش دین در تحولات ارزشی و نشان‌دهنده همبستگی و هم‌تغییری میزان دینداری افراد با گرایش‌های ارزشی مورد نظر شوارتز از جمله محافظه‌کاری (سنت‌گرایی، سازگاری، تواضع، امنیت فردی و اجتماعی)، خودافزایی (توفیق‌طلبی، قدرت‌طلبی و وجه‌طلبی)، عام‌گرایی و جهانشمولی (درک، احترام و پشتیبانی از رفاه مردم و احترام و پشتیبانی از طبیعت)، خودفرمانی، ارزش‌های نوع دوستی و کمک به دیگران و رفتار شایسته و نوعی گرایش‌های التقاطی (مادی‌گرایانه و فرامادی‌گرایانه) مورد نظر اینگلهارت می‌باشد.

همچنین نتایج آزمون رابطه بین دو متغیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ترجیحات ارزشی بیانگر این است که در دو نسل جوان و بزرگسال رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ارزش‌های اجتماعی یا ترجیحات ارزشی در جهت مستقیم معنادار است، با این تفاوت که شدت رابطه در نسل جوان متوسط به سمت قوی و در نسل بزرگسال متوسط می‌باشد، اما در نسل میانسال هم رابطه بین دو متغیر

یادشده معنادار نیست. به عبارت دیگر، با افزایش (کاهش) میزان استفاده پاسخگویان به‌ویژه جوانان از رسانه‌های جمعی، گرایش‌های ارزشی آن‌ها نیز تغییر می‌یابد. بنابراین رسانه‌های جمعی هم به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری از طریق اشاعه و ترویج ارزش‌های گوناگون بر شکل و الگوی ارزش‌ها، به‌ویژه در بین جوانان که شاید بیش از نسل‌های دیگر از این ابزارهای آگاهی‌بخش بهره می‌برند تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارند. این یافته مؤید نظریات اینگلهارت (۱۳۸۹)، فلانگن (۲۰۰۰)، داریاپور (۱۳۸۲)، ظهیری نیا (۱۳۹۴)، احمدزاده کرمانی و قاسمی (۱۳۹۲) و مدنی و خسروی (۱۳۹۰) در مورد نقش تعیین‌کننده رسانه‌ها روی تحولات ارزشی افراد است. بطورکلی مطالعه حاضر روشن نمود که هر چند در سلسله مراتب ارزشی نسل‌ها تفاوت وجود دارد، ولی این تفاوت‌ها در حدی نیست که از آن با عنوان انقطاع نسلی یا شکاف نسلی بشود یاد کرد بلکه بیشتر بیانگر نوعی تفاوت نسلی است.

۸. منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۷)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۰)، شکاف نسلی در ایران، *نامه انجمن جامعه‌شناسی*، شماره ۴.
- آزاد ارمکی، تقی؛ خادمی، حسن. (۱۳۸۲)، توجیهات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی، *نامه پژوهش فرهنگی*. (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، سال هشتم شماره ۱۰.
- آزاد ارمکی، تقی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی نسلی*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- احمدزاده کرمانی، روح‌الله؛ قاسمی، طیبه. (۱۳۹۲)، بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده. (مورد مطالعه: جوانان منطقه ۱۵ تهران). *مطالعات رسانه‌ای*، سال هشتم/ شماره بیست و سوم
- احمدی، حسین. (۱۳۸۰)، *بررسی سلسله مراتب ارزش‌های اجتماعی میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های ناحیه ۱ و ۲ شهرستان زنجان*.
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸)، *سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابره‌های فرهنگی، اجتماعی. (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- بیتس، دانیل؛ بلاک، فرد. (۱۳۷۵)، *انسان شناسی فرهنگی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- توکلی، مهناز. (۱۳۸۰)، *بررسی نظام ارزش‌های دونسل دختران. (نسل انقلاب)*، و مادران، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- جعفرزاده پور، فروزنده. (۱۳۹۰)، *تغییرات ارزشی بین نسلی، بازنمایی ارزش‌ها در شخصیت‌های جوان و میانسال مونث و مذکر سریال‌های ایرانی تلویزیون، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال هفتم، شماره ۲۴.
- چیت سازقمی، محمد جواد. (۱۳۸۳)، *گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت در کتاب گسست نسلی*، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
- حاجیلری، عبدالرضا. (۱۳۸۰)، *کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر معارف.

بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی ... ۱۵۳

- خالقی فر، مجید. (۱۳۸۱)، بررسی ارزش‌های مادی / فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، عوامل موثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه شهید بهشتی.

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷)، **توسعه و تضاد**، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، **دایره المعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.

- سراج زاده، حسین؛ توکلی، م. (۱۳۸۰)، بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، **نامه پژوهش**، شماره ۲۰ و ۲۱.

- داریاپور، زهرا. (۱۳۸۱)، بررسی جایگاه سنت و مدرنیته در نظام ارزشی جوانان و بزرگسالان شهر تهران، **پایان‌نامه دکتری**، دانشگاه اصفهان: گروه علوم اجتماعی.

- داریا پور، زهرا. (۱۳۸۶)، **ساختار ارزشی و مناسبات نسلی، جوانان و مناسبات نسلی**، شماره ۲۳.

- ربانی، رسول؛ صفایی‌نژاد، فتحیان. (۱۳۸۲)، فاصله نسلی با تاکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه موردی شهر دهدشت، **مجله پژوهشی** دانشگاه اصفهان.

- زارع شاه آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و نظام ارزشی جوانان. (مطالعه‌ای در مورد دانشجویان دانشگاه یزد)، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره نهم، شماره ۱.

- صفایی نژاد، فتحیان. (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی-فرهنگی بر فاصله نسلی در شهر دهدشت، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه اصفهان.

- طالبان، محمدرضا؛ مبشری، محمد؛ مهرآیین، مصطفی. (۱۳۸۹)، بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران. (۱۳۵۳-۱۳۸۸)، **دانشنامه علوم اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۳.

- طولابی، زینب؛ کمربیگی، خلیل. (۱۳۹۲)، تفاوت ارزشی در روابط والدین و فرزندان. (بررسی و تبیین مسئله تفاوت ارزشی در ایلام)، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، سال نهم، شماره ۳۴.

- ظهیری نیا، سیدمصطفی. (۱۳۹۴)، جهتگیری ارزشی و ارتباط آن با شاخصهای توسعه انسانی در شهر بندرعباس، **فصلنامه توسعه اجتماعی** (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۰، شماره ۲.

- فرزانه، سیف‌الله؛ چراتی، عیسی (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تفاوت ارزشی. (مطالعه موردی والدین و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر ساری)، **فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، سال دوم، شماره دوم.

- عابدینی، صمد. (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و ترجیح ارزش‌های اجتماعی: در حوزه ازدواج و خانواده؛ مطالعه خانواده‌های شهر تبریز، **پایان‌نامه دکترا** دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات.

- مدنی، سعید؛ خسروی، عباس. (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر در جهت‌گیری ارزشی. (مادی/فرامادی) دانشجویان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک در سال ۱۳۹۰، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران**، علمی پژوهشی، سال اول شماره سوم.

- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳)، **شکاف بین نسل‌ها - بررسی نظری و تجربی**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- Bahadur, Anshubhi; Dhawan, Nisha. (2008). Social Value of Parents and Children in Joint and Nuclear Families, *Jornal of the Indian Academy of Applied Psychology*, Vol. 34, Special Issue, 74-80.

- Bollas, C. (1993). *Being a Character: Psychoanalysis and Self Experience*, London: Routledge.

- Bourdieu, P. (1977). *Cultural Reproduction and Social Reproduction*. In: Karabel, J. , & Halsey, A. H. (eds.). Power and Ideology in Education. Oxford University Press, New York, pp. 487-511.
- Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital*. In: Richardson, J. G. (ed.). Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. Greenwood Press, New York, pp. 241-258.
- Diepstrutan, Isabelle and Ester, Peter et al. (1993). *Talking about my generation, ego and alter images of generations in the Netherlands*, Journal of Social Sciences, 35, 2.
- Flanagan, Scott C. , & Lee, Aie-Rie. (2000b). *Value change and democratic reform in Japan and Korea*. Comparative Political Studies, 33 (5) , 626-659.
- Drenzo, G. (1975). *Social Change and Rational Character*, New York: New York Press.
- Gordon, M. (1997). *Dictionary of Sociology*, Oxford: European Sociological.
- Inglehart, Ronald and Pippa Norris. (2003). *Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change around the World*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mannheim, K. (1952). *problems of generations, in Essay in the Sociology of Knowledge*, London: Routledge and Kegan Paul, pp. 276-322.
- Marcus, Justin; Ceylan, Savas; Ergin, Canan. (2017). Not So “Traditional” Anymore? Generational Shifts on Schwartz Values in Turkey, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol 48, Issue 1.
- Roales-Nieto, Jesús Gil , Segura, Antonio. (2010). Intergenerational Differences in Materialism and Postmaterialism Values in a Spanish

Sample, *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 10, 3, pp. 499-512

- Schwartz, S. H. and Bilsky, W. (1990). Toward a theory of the universal content and structure of values: Extensions and cross cultural replications. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 878-891.
- Schwartz, S. H. and Bardi, A. (1997). 'Influences of adaptation to communist rule on value priorities in Eastern Europe', *Political Psychology*, 18, pp. 385-410.
- Schwartz, S. H. (2006). *Value orientations: Measurement, antecedents and consequences across nations*. In R. Jowell, C. Roberts, R. Fitzgerald, & G. Eva (Eds.). *Measuring attitudes cross-nationally - lessons from the European Social Survey*. London: Sage.
- Schwartz, Shalom H. (1992). "Universals in the Content and Structure of Values: Theoretical Advances and Empirical Test in 20 Countries" Zanna (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology*, 20, pp. 1-65.
- Sun, Jiaming ; Wang, Xun. (2010). differences between generations in China: a study in Shanghai, *Journal of Youth Studies* ,Vol. 13, No. 1,